



Analysis of Cultural Education Practices in Nahj al-Balaghah (Case Study: Ethics)

Fatemah safinezhad¹| Hossein kamiab²| Marzieh Kahnooji³

Abstract

This descriptive-analytical study aimed to analyze cultural education etiquettes in Nahj al-Balaghah (case study: ethics) using deductive research approach. First, we analyzed the concept of cultural education and then cultural education etiquettes in the field of ethics (one of the three areas of cultural education) to infer the teachings of cultural education in the four dimensions of ethics (servitude ethics, personal ethics, social ethics, and environmental ethics) using analysis, evaluation, and classification of etiquettes. Data were collected by taking notes from domestic and foreign sources in a library. First, the letters, sermons, and wisdoms containing the examples related to the studied manners were identified. Then, the findings were categorized, analyzed and described. Finding: The research findings suggest that Islamic practices related to social ethics are the most common, indicating that Alawites orders are founded on social. Results: Imam Ali desired not only to teach individual morality, but also to construct a moral community because individual satisfaction is associated with societal happiness. If social-moral practices are accepted as rules, individuals will live in peace, security, and tranquility and community will be away from irreparable behavioral and verbal damage in the shadow of social immorality. With the presence of such individuals, cultural education and its practices would be established in community, and all Muslims will reach happiness and perfection.

Keywords: culturaleducation,practices,ethics,Nahjal-Balaghah.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.11.1

1. Educated in vali-e- asr rafsanjan,iran.

fsafinejhad@gmail.com

2. Vali-e- asr university of rafsanjan,iran.

h.kamyab@vru.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Islamic and General Education, PhD in Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Vali Asr University (AJ) - Rafsanjan - Iran.

arzieh.kahnooji@yahoo.com

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**




This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



بحث في قضايا التربية الإسلامية

تحليل آداب التربية الثقافية في نهج البلاغة (دراسة مورديّة: مجال الأخلاقيات)

فاطمة الصفي نجاد^١ | حسين الكامياب^٢ | مرضية الكهنوجي^٣ 

المجلد ٣١
الخريف ١٤٤٤

٦٠

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ٢٧
ذوالحجّة ١٤٤٣
تاريخ المراجعة: ١٣ رجب ١٤٤٤
تاريخ القبول: ١٣ ربيع الثاني
١٤٤٥
تاريخ النشر: ١٠ ربيع الاول
١٤٤٥

٣٤٨-٣١٩ صص

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



الملخص

يهدف هذا البحث إلى تحليل عادات التربية الثقافية في نهج البلاغة (دراسة مورديّة: مجال الأخلاقيات). ان منهج البحث وصفي-تحليلي و اسلوب تحليل البيانات، تحليل مفهومي متقدمة. ولهذا الغرض تم أولاً تحليل مفهوم التربية الثقافية ثم آداب التربية الثقافية في مجال الأخلاقيات (أحد مجالات الثلاثة للتربية الثقافية) بطريقة تحليلية ، لاجل الوصول الى جهة استنباط تعاليم التربية الثقافية في الأبعاد الأربعة لمجال الأخلاقيات (أخلاق العبودية، الأخلاق الفردية، الأخلاق الاجتماعية، الأخلاق البيئية) من خلال تحليل واختبار و تدوين الآداب. وكانت طريقة جمع البيانات مكتيباً و شملت أخذ عينات من المصادر الداخلية والخارجية، حيث تم أولاً تحديد الرسائل و الخطب و الحكم التي تضمنها كل من الأمثلة المتعلقة بالآداب المدروسة، و من ثم تصنيف النتائج و تحليلها و وصفها. و تؤكد نتائج البحث أن الآداب المتعلقة بالبعد الأخلاقي الاجتماعي هي الأكثر تكراراً، التي تدل على ان الاوامر العلوية اكثرها قائمة على القضايا الاجتماعية.

الاستنتاج: إن هدف معلم الإنسانية العظيم ليس هو تجهيز الناس بآداب الأخلاق الفردية، بل ان هدفه يتعلق ببناء مجتمع أخلاقي مقصود له، لأن سعادة الفرد معقدة بسعادة المجتمع، فإذا تم قبول السلوكيات الأخلاقية الاجتماعية كعقد و قانون في المجتمع، يستدام الناس حياتهم في غاية السلام و الأمن و السكينة، يظل ذلك المجتمع محصناً من الأضرار السلوكية و الكلامية غير القابلة للانجبار في ظل الفجور الاجتماعي .
الكلمات الرئيسية : التربية الثقافية، الآداب، الأخلاقيات، نهج البلاغة.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.111.1

١. درجة الماجستير في نهج البلاغة، الاتجاه الاجتماعي-السياسي و الحقوق العامة، جامعة ولي العصر (عج)، الرفسنجان، الايران.

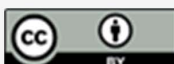
٢. أستاذ مساعد بقسم المعارف الإسلامية ، دكتوراه في النصوص القرآنية كلية الآداب و العلوم الإنسانية جامعة ولي العصر (عج)، الرفسنجان، الايران.

٣. الكاتبة المسؤولة: أستاذ مساعد بقسم المعارف الإسلامية و العامة، دكتوراه في العلوم التربوية، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة ولي العصر (عج)، الرفسنجان، الايران.
m.kahnooji@vru.ac.ir

المؤلفون

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





ä Ö i j u æ v Ü Ö æ ÷ Æ Æ Ö ' ¨ Æ B Ü r ¨ ¨

شماره

۶۰

سال سی یکم

پاییز ۱۴۰۲

صص: ۳۱۹ - ۳۴۸

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۰۳ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۵ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۴۰۲

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



واکاوی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه (مطالعه موردی: حوزه اخلاقیات)

فاطمه صفی نژاد^۱ | حسین کامیاب^۲ | مرضیه کهنوجی^۳

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه (مطالعه موردی: حوزه اخلاقیات) است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل داده ها، تحلیل مفهومی پیش رونده بوده است. برای این منظور ابتدا مفهوم تربیت فرهنگی و سپس آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاقیات (یکی از حوزه های سه گانه تربیت فرهنگی) به شیوه تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته اند تا از طریق تحلیل، ارزیابی و دسته بندی آداب، به سمت استنباط آموزه های تربیت فرهنگی در ابعاد چهارگانه ی حوزه اخلاقیات (اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست محیطی) دست یابیم. شیوه جمع آوری داده ها کتابخانه ای بود که شامل فیش برداری از منابع داخلی و خارجی بوده است. ابتدا نامه ها، خطبه ها و حکمت هایی که در بردارنده ی هر یک از مصادیق مرتبط با آداب مورد بررسی بودند شناسایی شدند و سپس یافته ها؛ دسته بندی، تحلیل و توصیف شدند. یافته های پژوهش مؤید این هستند که آداب مرتبط با بعد اخلاق اجتماعی دارای بیشترین بسامد می باشند که نشان دهنده ی این مهم است که فرامین علوی بیشتر بر مبنای مسائل اجتماعی هستند. نتیجه گیری: هدف مریی بزرگ بشریت، تنها مجهز ساختن انسان به آداب اخلاق فردی نیست، بلکه ساختن جامعه ای اخلاق مدار مدنظر وی می باشد؛ چرا که سعادت فرد با سعادت جامعه گره خورده است. اگر در جامعه ای رفتارهای اخلاق اجتماعی به عنوان یک قرارداد و به صورت قانون پذیرفته شوند، افراد در نهایت صلح، امنیت و آرامش به حیات خود ادامه می دهند و آن جامعه از بروز آسیب های جبران ناپذیر رفتاری و گفتاری در سایه بی اخلاقی اجتماعی مصون می ماند.

کلیدواژه ها: تربیت فرهنگی؛ آداب؛ اخلاقیات؛ نهج البلاغه.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.11.1

۱. کارشناسی ارشد نهج البلاغه گرایش اجتماعی - سیاسی و حقوق عمومی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان - ایران.

fsafinejhad@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دکتری متون قرآنی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) - رفسنجان - ایران.

h.kamyab@vru.ac.ir

۳. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه معارف اسلامی و عمومی، دکتری علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) - رفسنجان - ایران.

m.kahnooji@vru.ac.ir

* مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه گرایش اجتماعی - سیاسی و حقوق عمومی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان است.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

ساخت فرهنگی هر جامعه ای ریشه در ساختار تعلیم و تربیت آن جامعه دارد. بین فرهنگ و تربیت رابطه ناگسستنی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، محتوا و شکل فرهنگ غالباً نقش اساسی در تربیت ایفا کرده و می توان گفت، فرهنگ تکیه گاه تربیت است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷). فرهنگ به عنوان گنجینه ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری که باورها، ارزش ها، نگرش ها و هنجارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ به وجود آورده است، نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می کند. بدیهی است که نمی توان بدون اعتنا به این مقوله بسیار مهم به دنبال ایجاد تغییرات در ابعاد مختلف جامعه بود (ابتهاج، ۱۳۹۳: ۷). مشکلات و نابسامانیهای هر جامعه ریشه در مسائل تربیتی و فرهنگی دارد. پیشرفتهای اقتصادی، علمی و آموزشی بر اثر فقر فرهنگی خنثی و بی اثر می شوند. مباحثی چون تربیت و فرهنگ در تمام اعصار و دوره ها برای همه جوامع و ملتها مهم بوده و هستند.

اسلام، دین فرهنگ است و در فرهنگ اسلامی، محور اصلاحات، فرهنگ سازی است. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و به وسیله فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با مردم پیرامونش همراه می شود و هماهنگی می یابد و از مردم جوامع دیگر متمایز و مشخص می گردد و یقیناً هستی و بقای انسان و جامعه منوط به فرهنگ اوست (نجفی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴). تربیت فرهنگی هر نظامی متأثر از نوع باورها و جهان بینی ها و ارزش های (ایدئولوژی) حاکم بر جامعه است. دین با ارائه جهان بینی و ایدئولوژی ویژه ای، زیربنای شکل دهی به تربیت فرهنگی را می سازد و با ارائه اصول، آداب و دستورالعمل های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان، به دنبال شکل دهی به نوع خاصی از زیست انسانی می باشد (حمیدی، ۱۳۸۸: ۲۸). دین مبین اسلام به عنوان دینی کامل و موافق با فطرت آدمی، برنامه هایی را برای تربیت انسان از طریق انبیاء و اوصیاء ارائه داده است که به عنوان بهترین الگو و سرمشق برای تربیت انسان ها به شمار می رود. مسأله اصلی این تحقیق تربیت فرهنگی می باشد که شامل سه زیر مجموعه اصلی؛ باورها و عقاید؛ اخلاقیات و احکام و آداب و رسوم می باشد که به دلیل گستردگی بحث و محدودیت در حجم محتوای مقاله فقط به بررسی آداب مرتبط با یکی از زیر مجموعه های آن (حوزه اخلاقیات)

پرداخته شده است. جهت درک و فهم بیشتر آداب مربوط به حوزه اخلاقیات تربیت فرهنگی؛ خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که حوزه اخلاقیات نیز دارای چهار زیر مجموعه؛ اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست محیطی می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش واکاوی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه (مطالعه موردی: حوزه اخلاقیات) می‌باشد.

ب) مبانی نظری

تربیت، فرایندی جامع و کامل است که به تمام زوایای وجود انسانی و همه استعدادها و توانایی‌های طبیعی و فطری او توجه می‌نماید. اندیشمندان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت با نگاه همه‌جانبه به تربیت، آن را در ساحت‌های متنوع و متعددی طبقه‌بندی کرده‌اند که یکی از جنبه‌های آن، تربیت فرهنگی می‌باشد. تربیت فرهنگی فرایندی است که منجر به تسهیل فهم فرهنگ و میراث فرهنگی، ارزش‌سنجی و توسعه آن می‌گردد (بلاغت و هاشمی، ۱۳۹۲: ۹). فلسفه وجودی تربیت فرهنگی به این است که زمینه رشد توانمندی‌های فطری را فراهم سازد و نگذارد عوامل محیطی و نظام‌های فرهنگی و تربیتی غیر صحیح، در انسان تأثیر منفی گذاشته و او را به بیراهه کشانده و موجب خسران وی شوند (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰). حوزه اخلاقیات یکی از عناصر سه‌گانه‌ی فرهنگ می‌باشد که برای نیل به آن باید در سایه یک تربیت فرهنگی مناسب و برگرفته از یک مکتب غنی و اصیل گام برداشت.

از نظر اسلام، مأموریت پیامبران تربیت فرهنگی است تا در سایه آن عدالت و تعادل به کمک توده‌های مردم برقرار شده و تکامل بشری به عنوان هدف غایی در چارچوب حکمت و اهداف آفرینش انسان صورت بگیرد (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۷). تقید به آداب اجتماعی، جلوه ظاهری یا صورت بیرونی اخلاق به شمار می‌رود. در واقع به جهت تأثیر متقابل میان ظاهر و باطن، آداب امتداد طبیعی اخلاق می‌باشند. شاید از همین رو است که در نظام ارزشی اسلام، بسیاری از آموزه‌ها مربوط به آداب هستند. از این رو بی‌گمان با تقید به آداب و قالب‌بندی رفتار، مسیر تربیت کوتاه و هموار خواهد شد (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳۰). تقید به اخلاقیات در افراد و جوامعی که به مبانی اخلاقی معتقدند، می‌تواند مطمئن‌ترین ضمانت تحقق آداب باشد. می‌توان برای آداب، ضمانت‌های اجرایی گوناگونی تصور کرد، با این تفاوت که اخلاق آداب را

نهادینه، پایدار و ماندگار می‌کنند. اخلاق به آداب تعالی و عظمت می‌بخشد و از سطح به عمق می‌برد و رفتارهای روبنایی و ظاهری را زیربنایی و باطنی می‌کند. پشتیبانی اخلاقی از آداب به اعتبار آن می‌افزاید و دلگرمی و اطمینان می‌آورد (زارع و دیلمی، ۱۳۹۸: ۲۱). رابطه انسان با توجه به طرف رابطه، به چند گونه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق در رابطه با مخلوق؛ رابطه با مخلوق نیز یا شامل رابطه با خود است یا با دیگری و آن دیگری نیز یا انسان است و یا موجودی غیر بشری. برای اساس علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی خواهد بود؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست‌محیطی (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳).

آداب

به مجموعه‌ای از سلوک و رفتارهای اجتماعی که با اخلاق نظری در پیوند باشند (ترابی‌فارسانی و غندی، ۱۳۹۴: ۷۰) آداب گفته می‌شود. آداب یکی از عناصر مهم فرهنگی و از جمله مفاهیم جامعه‌شناختی هستند که برای نشان دادن رفتارهایی که بر طبق عرف و عادت صورت می‌گیرند و در روابط اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، از آنها یاد می‌شود. تأکید و تصریح بر نقش مثبت آداب درست عمومی در ارتقای جامعه و تبیین کارکردهای مثبت آن و از طرفی پرهیز از افکار و اعمال افراطی و آسیب‌شناسی به موقع موجب افزایش اعتبار آنها و در نهایت تأمین روابط انسانها در اجتماع است (زارع و دیلمی، ۱۳۹۸: ۱۲). آداب بخشی از هویت فرهنگی یک ملتند و هویت فرهنگی یکی از مهمترین مبانی استحکام و انسجام ملی است و آسیب رساندن به آن موجب آسیب به بنیان‌های اجتماعی است (کلانتری ارسنجانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴). هدف آداب، نزدیکی مردم به یکدیگر است. ادب زینت بخش روابط این جهانی و تأمین کننده‌ی سعادت دنیوی در سایه روابط صحیح اجتماعی است، چنانکه بی‌مبالاتی در آداب معاشرت، سبب سردی روابط، پیدایش ذهنیت منفی در دیگران، محدود شدن ارتباطات و موجب انزوای اجتماعی می‌شود (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱۵).

فرهنگ

فرهنگ عبارت است از رفتارهایی که بر پایه اعتقادات و باورها برای خلق و تقویت ارزش‌ها در سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده صورت می‌پذیرد. با این رویکرد میتوان گفت که فرهنگ

به عنوان روش کلی زندگی بر مبنای اعتقادات و باورها در جهت آینده سازی بر پایه ارزش ها و رفتارهای روزمره افراد به دست می آید (رومانوسکی، ۲۰۰۲: ۱۸).

دانشمندان تعاریف مختلفی را از فرهنگ ارائه کرده اند و هر یک از زاویه دید خود به موضوع پرداخته اند، ولی با همه جانبه نگری و مطالعه همه ی آراء، این تعریف از فرهنگ قابل ارائه است: فرهنگ مجموعه ای متشکل از سه عنصر ذیل است:

۱. مجموعه ی عقاید موجود در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فردی، اجتماعی و ماورای انسانی موجود در یک جامعه.

۲. اخلاقیات (عادات و ملکات نفسانی) موجود در حوزه های فوق.

۳. آداب و رسوم، نمادها، رنگ، شکل و وسیله موجود در حوزه های مختلف مذکور (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳: ۳۶-۴۷)

تربیت فرهنگی

تربیت فرهنگی نظام واره ی خاصی است که برای انتقال آداب و رسوم به یک عده یا ملت تلاش می نماید و هدف آن افزایش آگاهی و کسب التزام افراد نسبت به فرهنگ پذیری است (فرهینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). به عبارت دیگر، تربیت و فرهنگ دو مقوله و حوزه ی ظریف و پیچیده هستند که مؤثر بر یکدیگر می باشند. تربیت زمینه ساز رشد و شکوفایی استعدادها و ظهور و بروز توانمندی های افراد جامعه بوده و فرهنگ با همه عناصر و ارکان و مؤلفه هایش، مؤثر بر چگونگی این بروز و ظهور استعدادها در کنار عوامل اثرگذار دیگر می باشد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰). تربیت فرهنگی اسلامی می بایست در چارچوب آموزه های وحیانی اسلام انجام گیرد، زیرا این آموزه ها در بردارنده ی نظام فکری و فرهنگی و نیز اخلاقی، رفتاری، حقوقی و قانونی خاصی هستند که فرهنگ اسلام را بیان می کنند (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۹). تربیت فرهنگی را می توان یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخهای رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرد. نقش تربیت فرهنگی در شکل گیری تمدن اسلامی انکارناپذیر است (خنکدار طارسی و سلحشوری، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

اخلاقیات

حوزه اخلاقیات یکی از عناصر سه گانه‌ی فرهنگ (عقاید، اخلاقیات و آداب و رسوم) می‌باشد که برای نیل به آن باید در سایه‌ی یک تربیت فرهنگی مناسب و برگرفته از یک مکتب غنی و اصیل گام برداشت.

اخلاق جمع خُلُق است (وائقی، ۱۳۷۴: ۱۳). در لغت «خُلُق» و «خَلَق» از یک ماده (خ ل ق) هستند. خَلَق به شکل ظاهری انسان نظر دارد و خُلُق به شکل باطنی و نفسانی انسان؛ همانگونه که شکل ظاهری انسان، متصف به صفت نیک و بد است، شکل باطنی انسان هم دارای اوصاف خوب و بد است. به عبارت دیگر، خَلَق اختصاص به شکل و صورتی دارد که با چشم ظاهر درک می‌شود و خُلُق اختصاص به قوای روحی و طبع باطنی دارد که با بصیرت و چشم دل درک می‌شود (رافعی، ۱۴۱۲: ۲۹۷). اخلاق در اصطلاح، عبارت است از سلسله صفاتی که در نفس و روح انسان ثابت و ریشه‌دار هستند و منشأ صدور اعمال نیک همچون راستگویی، انفاق، ایثار، جهاد و یا اعمال بد همچون دروغ‌گویی می‌شوند (محمدی گیلانی، ۱۳۷۴: ۲۳). آموزش اخلاقیات و ارزش‌ها به عنوان یک مسئولیت مهم و سنگین بر دوش نظام‌های آموزشی و تربیتی جهان احساس می‌شود (کریستی جانسون، ۲۰۱۵). اخلاق ممکن است مانند ادب، از زمان و مکان متأثر شود با این تفاوت که تأثیر ادب، ذاتی است و تأثیر اخلاق، عرضی و آنی است (زارع و دیلمی، ۱۳۹۸: ۱۰). اخلاقیات ارزش‌هایی مبتنی بر آموزه‌های دینی‌اند که انسان می‌باید اعمال و منش خود را برای دستیابی به کمال و تعالی، بر اساس دستورها و توصیه‌های آن تنظیم نماید. گزاره‌های اخلاقی از تأثیر صفات و منش انسان بر سعادت او حکایت می‌کنند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰). در پژوهش حاضر به بررسی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه (مطالعه موردی: حوزه اخلاقیات) پرداخته شده است.

ج) پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت مقوله تربیت فرهنگی و آداب مربوط به آن به ویژه آداب برگرفته از منابع غنی و اصیل اسلامی؛ تحقیقی در رابطه با واکاوی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه، صورت نگرفته

است؛ با این حال در ادامه به تحقیقات انجام شده‌ای که به نحوی با کلیت این موضوع ارتباط دارند؛ اشاره می‌شود.

- اسماعیلی و کاوسی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "ارائه مدل تربیت فرهنگی بر اساس آموزه های دینی و نهج البلاغه" چنین نتیجه گرفتند که پیامد مطلوب اجرای مدل تربیت فرهنگی به صورت صحیح و مؤثر را می‌توان به صورت تربیت انسان فرهیخته و تشکیل جامعه فرهنگی در نظر گرفت.

- کرماجانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "نهج البلاغه و ارزش‌های فرهنگی" چنین نتیجه گرفت که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یکی از مفاهیمی است که عصر حاضر تشنه درک و دریافت حقیقت آن است. شناسایی لایه‌های این مفهوم با عنایت به واقع‌نگری اسلام و شخصیت ممتاز حضرت علی (ع) در عمل به اسلام و احکام و قوانینش هر محقق و پژوهشگری را با مقوله فرهنگ و محتوای ارزشی خاصی که انسان و اجتماع (جامعه اسلامی) را آنچنان که باید باشد به همراه ارائه‌ی طریق ایصال به مطلوب روبرو می‌سازد.

- کهنوجی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان "تبیین اصول تربیت فرهنگی در تفکر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)" چنین نتیجه گرفت که؛ جامعیت کلام رهبری در تمام زمینه‌های علمی بارز و آشکار می‌باشد و پنج بُعد از ابعاد اصول تربیت فرهنگی با محوریت‌های خدامحوری، خردورزی، اخلاق‌مداری، نوع دوستی و زندگی محوری؛ در کلام ایشان به صورت جامع و کامل بیان شده‌اند.

- نجفی، وفایی و جعفری‌هرندی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بازیابی اصول تربیت فرهنگی از آموزه‌های اسلامی" چنین نتیجه گرفتند که؛ تربیت فرهنگی به صورت انگیزشی برای پابندی رفتاری به مباحث فرهنگی عمل می‌کند و شکل‌گیری تربیت فرهنگی بستر لازم را برای سبک زندگی فرهنگی فراهم می‌آورد، مهمترین اصول تربیت فرهنگی عبارتند از: خدامحوری، خردورزی، اخلاق‌مداری، زندگی محوری، محبت محوری و ...

- محمودی و خرم‌آبادی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تربیت فرهنگی با رویکرد اسلامی و علوی" نتیجه گرفتند که تربیت فرهنگی اسلامی آینده سازان این مرز و بوم، می‌تواند بستری آرام و

بدون تنش در خانواده و جامعه به وجود آورد که این امر علاوه بر نتایج ارزشی و اخلاقی آن، رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز فراهم سازد.

- خنکدار طارسی و سلحشور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)" چنین نتیجه گرفتند که؛ خودباوری، خودآگاهی، مبارزه طلبی، فرهنگ خودی و استقلال فرهنگی از جمله عوامل تربیت فرهنگی می‌باشند.

- دارایی و اسماعیلی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی (به عنوان مهمترین پیش‌نیاز مهندسی مجدد فرهنگی)" چنین نتیجه گرفتند که؛ فرهنگ هر جامعه شامل سه جزء اصلی اعتقادات، عادات و رفتارهای حاکم بر آن جامعه است و راه انتقال یا کسب آن نیز از طریق تعلیم و تربیت است. بنابراین در پرورش و انتقال ابعاد و اجزای فرهنگ باید اصول دهگانه‌ی حاکم بر تعلیم و تربیت در نظر گرفته شود.

پژوهش حاضر از آن جهت متفاوت است که به واکاوی آداب تربیت فرهنگی در حوزه‌های چهارگانه‌ی اخلاقیات از منظر نهج البلاغه پرداخته است.

۵) روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مفهومی پیش‌رونده بوده است. در این روش از طریق تحلیل مفهومی عناصر اصلی مفهوم مورد نظر شناسایی می‌شوند تا در پرتو کشف و برجسته‌سازی عناصر اساسی و هویت‌ساز آن مفهوم، دانش و درک عمیق‌تری نسبت به مفهوم یا موضوع مورد نظر پیدا شود (رضایت و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵۱). شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و شامل فیش‌برداری از منابع داخلی و خارجی بوده است. جامعه آماری شامل تمام خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه می‌باشد و نمونه آماری شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هایی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به مسأله تربیت فرهنگی (در بعد اخلاقیات و زیرمجموعه‌های چهارگانه آن) اشاره داشته‌اند، می‌باشد.

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق بندگی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟
- ۲- آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق فردی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟
- ۳- آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق اجتماعی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟

۴- آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق زیست محیطی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟

(و) یافته‌ها

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در این پژوهش چهار سؤال وجود دارد که سعی شده است از طریق تحلیل داده‌های گردآوری شده، پاسخ مناسبی برای آنها فراهم گردد.

سؤال ۱) آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق بندگی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟

مراد از حوزه اخلاق بندگی هنجارها و ناهنجاری‌هایی مانند ایمان، خضوع، خشوع، پوشش، اخلاص، توکل، کفر، سرکشی و بی‌اعتمادی به خدا است که به رابطه بین انسان و خدا مربوط می‌شود. اخلاق الهی عهده دار شکل‌دهی و سامان‌دهی ارزش‌های حاکم بر روابط انسان با آفریدگار خویش است (محمدی‌راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۹). انسان در برابر خدا مسئول است زیرا همه چیز از آن اوست و مالک حقیقی همه نعمتهای مادی و معنوی انسان، خداست. پس خدا حق دارد در برابر چیزهایی که به انسان داده سؤال کند. انسان نیز وظیفه دارد در برابر نعمت‌های الهی پاسخگو باشد (خواص و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۲). تسلیم امر الهی شدن و تنها به خواست حق کردن نهادن، از کمالات والای اخلاقی است. در مقام بندگی، انسان خود را عبد و بنده خدا و مملوک او می‌بیند و جز خواست او چیزی نمی‌خواهد و تنها از او پیروی می‌کند.

آداب مرتبط با تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق بندگی در نهج البلاغه

مقصود از آداب مرتبط با اخلاق بندگی، آدابی هستند که یک طرف آن بنده و طرف دیگر خداوند است و انسان نسبت به خداوند تکالیف و وظایفی دارد که باید آنها را ادا نماید. از جمله آداب تربیتی مرتبط با این حوزه از منظر نهج البلاغه؛ می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- داشتن تقوای الهی

تقوا؛ خویش‌داری و دوری از گناهان و اطاعت از دستورات الهی است. مجهز شدن به تقوای الهی خیر و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان به ارمغان می‌آورد. حضرت علی (ع) به تقوای الهی

توصیه می نمایند و می فرمایند: "شما را به تقوای خدا توصیه می کنم، خداوندی که خلقت شما را آغاز نمود و بازگشتتان به سوی او خواهد بود" (خطبه ۱۹۸). همچنین می فرمایند: "بندگان خدا، شما را به تقوا توصیه می کنم که توشه راه و نقطه اتکایی در معاد می باشد... بندگان خدا! پرهیزگاری، دوستان خدا را از ارتکاب حرام باز می دارد" (خطبه ۱۱۴). داشتن تقوای الهی؛ عامل مؤثری برای انجام واجبات و ترک محرمات می باشد.

- صداقت و عدم تزویر با خداوند

امام (ع) صداقت با خداوند و نیت های صادق را شرط لازم دفع بلا و نقت می دانند و می فرمایند: "چنانچه به هنگام نزول بلا بر مردمان و زوال یافتن نعمتهای ایشان، با نیت سلیم و دلهای پر از بیم، با فغان از پروردگار بخواهند، هر رفته ای را به آنان باز می گرداند و هر فاسدی را اصلاح می نماید" (خطبه ۱۷۸). همچنین می فرماید: «آنگاه که خدا صدق ما را دید خواری را بردشمنان ما نازل کرد و پیروزی را بر ما عنایت فرمود» (خطبه ۵۶) و در تعریف جامعی از اسلام یکی از ویژگیهای آیین اسلام را راه نجات برای اهل صدق و تصدیق می شمارد (خطبه ۱۰۶) و بهشت را پاداش کسی می داند که صدق نیت و درونی پاک داشته باشد (حکمت ۴۲). امام علی (ع) راه نجات و سعادت و دفع آفات و بلاها را، صداقتی که برآمده از اعماق جان باشد، بر می شمارند.

- تعظیم و بزرگداشت خداوند

حضرت علی (ع) می فرمایند: "پس به بزرگداشت خدا آنگونه بپردازید که خود بزرگ داشته" (خطبه ۱۸۳). در خطبه ۱۹۳ در بیان فضائل پرهیزگاران می فرمایند: "در نظرشان خالق بزرگ می نماید و هرچه جز اوست، خرد است" و در خطبه ۱۴۷ می فرمایند: "آنکس که به بزرگی خدا دانا است، نباید خود را والا پندارد. رفعت مقام آنان که عظمت خدا را دریافته اند، در تواضع آنان مقابل اوست و سلامت کسانی که به میزان قدرتش واقفند، این است که فرمائش را اجابت کنند". وقتی خدای سبحان در نظرها به عظمت یاد می شود و تصدیق به وجود محض و مستقل خداوند سبحان و وابستگی همه هستی به او نهادینه می شود، باعث می گردد که انسان در معرفت خود خالص شده و وجود خویش را از هرگونه شرک، پاک نماید، در پرتو این معرفت خالصانه فضائلی همچون

خضوع و خشوع در برابر پروردگار کسب می‌شود و انسان را از رذائلی همچون تکبر و خود بزرگی بینی رها می‌کند. حضرت علی(ع) در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید: "کسی که جلال خداوند در نظرش بزرگ آید و مقامش در دل او بزرگ گردد، می‌سزد که به دلیل بزرگی خداوند، هر چه جز اوست، نزد او کوچک نماید". پرهیزگاران با علم بی پایان و قدرت الهی آشنا شده اند و می‌دانند که در برابر عظمت و قدرت او هیچ هستند، لذا غیر از خداوند هر چیزی در نظرشان کوچک و بی‌مقدار است. حضرت(ع) می‌فرماید: "اگر در عظمت قدرت و حجم نعمت او اندیشه می‌کردند، به طریق هدایت ره می‌پیمودند" (خطبه ۱۸۵)

- سپاس از خداوند به خاطر نعمت‌های او

انسان به طور فطری در مقابل هدیه ای که دیگران به او می‌دهند تشکر می‌کند و خود را مدیون کسی می‌داند که به او لطف کرده و هدیه‌ای را به او داده است. با اینحال، کافی است انسان نگاهی به اطرافش بیندازد، قطعاً خواهد فهمید نعمت‌هایی که خداوند به او داده است چقدر زیاد هستند و همه از لطف و رحمت پروردگار می‌باشند. خدایی که این همه نعمت به انسان داده است سزاوار حمد و ستایش است. حضرت علی(ع) سپاس و ستایش را مخصوص خدایی می‌داند که سرانجام خلقت و پایان کارها به او باز می‌گردد و می‌فرماید: "او را به خاطر عظمت احسانش سپاس می‌گویم و درخشانی برهانش و بیشی بخشش و نعمتش. ستایشی که حق او را به جای آورد و از عهده شکرش به در آید و نزدیک کننده به پاداش او باشد و افزایش نعمتهایش را باعث شود" (خطبه ۱۸۲). همچنین در خطبه ۱۸۸ می‌فرماید: "مردم شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم و به ستایش فراوان او، بخاطر بخششهایی که به شما داشته و نعمتهایی که عطا نموده است". بدیهی است هیچ کس نمی‌تواند حق شکر و سپاس خدا را ادا کند و همگان از این کار عاجزند، بنابراین منظور از شکرگذاری و سپاس، ادای همان مقداری است که در توان آدمی است و باعث پاداش الهی و مزید نعمت او می‌شود.

- پرهیز از نافرمانی خداوند

حضرت(ع) مردم را به دوری از نافرمانی خداوند دعوت می‌نماید و توصیه می‌کند با صبر و استقامت بر عبادت، نعمت‌های خدا را بر خود تمام کنند. "با صبر بر طاعت خدا و اجتناب از گناهان، نعمتهای خدا را به تمامی بخواهید و فردا را به امروز نزدیک بدانید" (خطبه ۱۸۸). امام(ع)

ولی و دوست رسول خدا(ص) را کسی می داند که خدا را اطاعت کند هرچند خویشاوند دور باشد و دشمن او را کسی می داند که خدا را نافرمانی کند هرچند خویشاوند نزدیک باشد(حکمت ۹۶). همچنین ایشان نافرمانی خداوند و اطاعت از شیطان را ظلم به خویشتن(آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۵) و اطاعت از پروردگار را راه هدایت معرفی می کند(همان: ۹۴). بنابراین در نگاه امام(ع) اطاعت خدا و پرهیز از نافرمانی او موجب بهره مندی از الطاف و نعمات مادی و معنوی الهی می شود.

– انجام تکالیف

حضرت علی(ع) در حکمت ۷۸ می فرماید: "...خدای سبحان بندگانش را امر نمود که اختیار ورزند و نهی فرمود از اینکه به هراس خویشتن بدارند. تکلیفی که کرد، آسان است و تکلیف دشواری نیورد. پاداش او بر اندک(عملی) بسیار است..." حضرت(ع) در نامه ۵۱ می فرماید: "بدانید چیزی که بر گردن شماست، زیاد نیست و در عوض، پاداش آن بسیار است". همچنین می فرماید: "خداوند بر دوش شما واجب هایی را قرار داده، آن را تضييع نکنید و حدودی نهاده که نباید آن را واگذارید. از چیزهایی که تحذیر نموده بر حذر مانید و البته چیزهایی نگفته و از روی فراموشی هم آنها را رها نکرده و لذا در مورد آنها خود را به سختی میاندازید"(حکمت ۱۰۵). حضرت(ع) توصیه می کنند: "دلها را روی کردن و روی برتافتنی است. اگر دلهایتان روی آورد، به مستحباتش مشغول دارید و اگر روی برتافت، بر انجام واجبات اکتفا نمایید"(حکمت ۳۱۲). حضرت(ع) در خصوص ارزش اعمال کم توأم با نشاط می فرماید: "کمی که با آن بسازی بهتر از بسیاری است که از آن بنالی"(حکمت ۲۷۸). خداوند تکالیفی را برای انسان قرار داده است و این تکالیف متناسب با وسع وی می باشند. بدون شک انسان حالات متفاوتی دارد و در هر یک از این حالات باید موافق آن گام بردارد تا به نتیجه مطلوب برسد. گاه فکر انسان آرام و روح او پر نشاط است، لذا جسم و روحش آماده برای عبادت و اطاعت خداوند می باشند، در این هنگام باید این فرصت طلایی را غنیمت شمارد و علاوه بر واجبات به انجام مستحبات نیز پردازد و این مهم را مد نظر داشته باشد که کار پایدار و مستمر، هرچند کم باشد، امید بخش تر از کار زیادی است که ملامت و خستگی بیافریند و در نتیجه زود به پایان برسد.

ب- حوزه اخلاق فردی (ارتباط با خود)

منظور از رابطه انسان با خودش، در واقع رابطه شؤن و ابعاد نفس با یکدیگر است؛ یعنی روح انسان اگر چه موجودی واحد و بسیط است، مع الوصف، همین موجود واحد از شؤن مختلفی برخوردار است و با تعبیری روشن تر، دارای ابعاد گوناگونی است که این ابعاد با هم ارتباطاتی دارند و ارتباطات ابعاد و شؤن گوناگون نفس؛ منشاء انتزاع یک سلسله مسائلی در اخلاقی می گردند و از آنها با عنوان رابطه انسان با خودش (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۶) یاد می شود. انسان در برابر خودش مسئول است. مسئولیت هدایت و گمراهی هر انسانی در وهله نخست به خود او برمی گردد و هر یک از اعضا و جوارح ظاهری و باطنی انسان، بازخواست خواهند شد (خواص و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۲). اخلاق فردی به رفتار بیرونی فرد که تجلی و ظهور ملکات درونی اوست کاری ندارد.

سؤال ۲) آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق فردی از منظر نهج البلاغه چه می باشند؟

مقصود از آداب مرتبط با اخلاق فردی، آدابی هستند که مربوط به حیات فردی انسان ها هستند و آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می گیرند؛ مانند فضیلت های صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس و رذیلت های پُرخوری، شتاب زدگی و سبک مغزی.

- تواضع و نفی تکبر و خودخواهی

کسی که چشم بر چشمه خورشید دوخته، شمع کم نوری در نظر او ناچیز است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۶۰) و باعث می شود انسان دچار کبر و غرور نشود. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر در نهی از تکبر می فرماید: "... و اگر قدرت تو را نخوت فزاید و دچار غرورت سازد به عظمت حکومت خداوند که بالاتر از توست نظر کن که بر تو قدرتی دارد که تو بر خود آن قدرت را نداری. این نظر کردن تو را از سرکشی نمودن باز می دارد و جلوی تندی تو را می گیرد و عقل رفته ات را برمی گردانند... هرگز مگو من امیرم؛ امر می کنم و از من اطاعت می شود که این موجب دخول فساد در دل تو و ضعف و خرابی دین و نزدیک شدن دگرگونی ها (در قدرت تو) است". ارزش های اخلاقی با هر نوع تکبر، خودخواهی و خودکامگی در تضاد هستند. حضرت (ع) به دوری از تکبر نسبت به دیگران توصیه می کند و می فرماید: "به خدا

پناه ببرید از پرورده شدن نخوت؛ همانطور که در مصایب روزگار به او روی می آورید. اگر قرار بود خداوند امکان کبر و نخوت را به بندگان خود دهد، به طور حتم این امتیاز را در اختیار پیامبران و اولیای گزیده‌ی خود می‌نهاد، اما خداوند نخوت و بزرگ‌بینی را از ایشان نپسندید و خشنودی خود را در تواضع آنها قرار داد" (خطبه ۱۹۲).

- رعایت حق نیازمندان

نظام اقتصادی اسلام نظام حساب شده‌ای است به گونه‌ای که اگر مطابق آن رفتار شود در سراسر کشور اسلام فقیر و نیازمندی باقی نخواهد ماند. حضرت علی (ع) درباره رعایت حق نیازمندان می‌فرماید: "خداوند سبحان روزی فقرا را در ثروت اغنیا واجب داشته، پس فقیری گرسنه نماند مگر که ثروتمندی از حق او تمتع یافته باشد و خداوند از اغنیا در این خصوص حساب می‌کشد" (حکمت ۳۲۸). اگر هر فردی به حق خودش قانع باشد و افراد نیازمند را در مال خود سهم بداند، در سراسر کشور اسلام فقیر و نیازمندی باقی نخواهد ماند. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۴۲ می‌فرماید: "پس هر که خدا به او مالی عطا نماید، باید که به خویشان خود رساند، ضیافت دهد، اسیر آزاد گرداند، دل رنجور را به دست آورد، فقیر را نصیبی دهد، وام و امدار را ادا کند و برای ثواب، حقوقی که به عهده دارد، با ادایش از عهده برآورد و سختی‌ها را با صبوری تحمل نماید".

- صبر و بردباری

حضرت علی (ع) در حکمت ۸۲ در مورد جایگاه صبر می‌فرماید: "بر شماست که صبر کنید؛ که صبر برای ایمان مثل سر برای بدن است". اگر صبر از ایمان جدا شود دوام و بقایی برای ایمان نخواهد ماند. همچنین در خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: "وقتی خداوند مشاهده نمود که آنان چه‌سان از روی محبت به او در برابر مصائب صبر پیشه می‌کنند و چطور از ترس او، امور تلخ و نامطلوب را تحمل می‌نمایند، در تنگنای بلاها برای ایشان گشایشی خواهد نمود".

- پرهیز از پیروی هوی و هوس و داشتن آرزوهای بلند

حضرت علی (ع) مردم را از پیروی هوای نفس و آرزوهای طولانی بر حذر داشته و می‌فرماید: "ای مردم از دو چیز بیش از هر چیز بر شما ترسانم: پیروی از هوای نفس و آرزوی

دراز. اما پیروی از هوای نفس و اطاعت از شهوات، آدمی را از حق جدا کند و از برکات آن محروم سازد و اما آرزوی دراز، رستاخیز را از یادبرد" (خطبه ۴۲). با توجه به اینکه «هوی» همان تمایلات نفس اماره به لذات دنیوی و حد افراط و بدون قید و شرط است، به خوبی روشن می‌شود که چرا مانع از وصول به حق می‌شود، زیرا هوی پرستی حجابی در برابر دیدگان عقل می‌افکند که انسان را از مشاهده چهره حق محروم می‌سازد و باطل را که در مسیر هوی و هوس او است چنان توجیه می‌کند که از هر حقی قابل قبول تر جلوه کند و به عکس حقی را که بر خلاف هوای نفس می‌باشد چنان تخریب می‌کند که از هر باطلی بدتر نمایان می‌شود و اما آرزوهای دور و دراز به این دلیل موجب فراموشی آخرت می‌شوند که تمام نیروهای انسان را به خود جلب می‌کند. با توجه به این که نیروی انسان به هر حال محدود است، هنگامی که آن را در مسیر آرزوهای بی‌پایان سرمایه‌گذاری کند چیزی برای سرمایه‌گذاری در طریق آخرت نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۴۶۲).

- توجه به زهد و پارسایی

حضرت علی (ع) در تعریف زهد می‌فرمایند: "ای مردم! پارسایی از آرزوها کاستن و شکر نعمت گفتن و از امور ممنوع خود را نگاه داشتن است" (خطبه ۸۱). در توضیحی که امام (ع) با این سه جمله درباره زهد می‌فرمایند، در برابر تفسیر غلطی است که از زهد می‌شود و چه بسیارند کسانی که هرگز معنای زهد را نفهمیده‌اند و خود را «زاهد» می‌پندارند! تصور می‌کنند «زهد» تنها پوشیدن لباسهای ساده یا عدم ورود در مسائل مهم اجتماعی و گوشه‌گیری و جدایی از جامعه انسانی و بیگانگی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی است؛ در حالی که هیچ یک از اینها دلیل بر زهد نیست. حقیقت «زهد» که در برابر «رغبت» قرار دارد، همان بی‌اعتنایی نسبت به مواهب مادی و یا به تعبیر دیگر: «عدم وابستگی نسبت به دنیا و مظاهر دنیا می‌باشد، هر چند امکانات وسیعی در اختیار داشته باشد». کسی که نسبت به امور مادی بی‌اعتنا است، هرگز دنبال آرزوهای دور و دراز نیست؛ آرزوهای دور و دراز مخصوص دنیاپرستان است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۰۶).

سؤال ۳) آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق اجتماعی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟

منظور از اخلاق اجتماعی، فضائل و رذائلی است که ناظر به رابطه فرد با سایر انسانهاست؛ مانند عدل و احسان یا حسادت و فخر فروشی (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳). بی تردید انسان در برابر دیگران مسئولیت دارد. از نظر اسلام، مسئولیت اخلاقی انسان در برابر دیگران از شئون و شاخه‌های مسئولیت اخلاقی انسان در برابر خدا است. انسان علاوه بر اینکه باید به مصالح خویش بیندیشد، در برابر دیگر افراد جامعه و هم‌نوعان خود نیز مسئول است (خواص و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۲). این رابطه می‌تواند به صورت عام و در ارتباط با عموم مردم برقرار شود و یا در حوزه‌های خاصی چون خانواده، ازدواج، اشتغال و... با افراد خاص (حسین‌زاده و تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۲). انسان در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند و به همان نسبت که بر اجتماع تأثیر می‌گذارد از جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد.

آداب مرتبط با تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه

در اصطلاح جامعه‌شناسی، آداب اجتماعی قوانینی هستند که بر رفتار حاکم می‌باشند، به گونه‌ای که در ارزیابی رفتار اجتماعی به عنوان یک معیار و شاخص مهم خود را نشان می‌دهند و شامل مجموعه رفتارهای اختیاری و زیبایی شناختی است که فرد می‌تواند به اشکال مختلفی آنها را انجام دهد، یعنی نسبی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت هستند، اما گرایش به خیر و فضیلت و نیز زیبایی‌ها به طور فطری در وجود همه انسانها نهاده شده است؛ یعنی جامعه و ضرورت‌های اجتماعی آنها را به انسان تلقین نکرده‌اند، بلکه جزئی از نهاد انسان هستند و به طور معمول از آنها به "انسانیت" تعبیر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۶۷). مقصود از آداب مرتبط با اخلاق اجتماعی، آدابی هستند که مربوط به ارزش‌ها و ضدارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسانها می‌باشند؛ مانند معاشرت نیکو، انصاف و عدالت‌پیشگی، وحدت، امانت‌داری و ...

- رفق و مدارا با مردم

در دیدگاه حضرت علی (ع) مدارا بهترین گزینه جهت توفیق در امور است بنابراین در انجام دادن کارها بیش از هر چیز باید از رفق و مدارا بهره گرفت و آن را کلید کارها قرار داد. حضرت علی (ع) در یکی از دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود به کارگزارانش اینگونه می‌فرماید: "پس در هر چه برای تو اهمیت دارد، از خداوند در آن خصوص کمک طلب کن و

تندی را با کمی نرمی در آمیز و در جایی که مهربانی لازم است، مهربانی پیشه کن و آنجا که جز تندی چاره ای نباشد، تندی نما" (نامه ۴۶). در جامعه اسلامی باید بین حاکم و مردم رابطه‌ای صحیح و منطقی مبتنی بر محبت، مدارا و مودت باشد. "دلت را به رحمت بر رعیت و محبت و لطف به آنان برانگیز و مستیز با آنان، چون جانوری وحشی که خوردنشان را غنیمت شمردی". بی‌شک پایه حکومت صحیح، اقتدار عادلانه بر قلوب مردم است نه تکیه بر شمشیرها و نیزه‌ها. آنها که بر دل‌ها حکومت دارند کشورشان امن و امان است و آنها که بر شمشیر تکیه می‌کنند دائماً در خطرند. گشاده‌رویی و اظهار محبت به مردم رمز پیشرفت و موفقیت است و باعث خاموش شدن آتش فتنه‌ها می‌گردد. حضرت (ع) در نامه ۲۷ خطاب به محمد بن ابی‌بکر می‌فرماید: "با ایشان متواضع باش و نرم رفتار، چهره گشاده دار و همه را به یک چشم بدار". این نگاه حضرت تنها به مسلمانان نیست بلکه حقوق اقلیت‌ها را نیز در بر می‌گیرد تا جایی که حضرت نامه‌ای به عمر بن سلمه ارجبی استاندار فارس می‌نویسد و او را به خاطر غفلت و شدت به رعیت غیرمسلمان توبیخ می‌کند و از او می‌خواهد که طریق اعتدال را پیش بگیرد. "دهقانان شهر از تو شکایت آورده‌اند، که با ایشان تندی می‌کنی و سخت می‌گیری، ستم روا می‌داری و تحقیرشان می‌نمایی، امن در امر آنان دقت نمودم، دریافتم که چون مشرکند نمی‌توان به خود نزدیکشان دانست، اما چون به اسلام پناه آورده‌اند، نباید رشته‌ی ارتباط با ایشان را گسست. پس در اداره امورشان نه کاملاً تند باش و نه نرم‌خو، این دو را با هم داشته باش! بعضی اوقات مهربان باش و بعضی اوقات سخت، گاه پیششان آر و گاه دورشان بدار" (نامه ۱۹). بدیهی است این گونه رفتار با افرادی که مسلمان نیستند ولی در سایه حکومت اسلامی باید زندگی سالمی داشته باشند، بهترین رفتار است؛ از یک سو به آنان آرامش می‌دهد و هرگونه فکر طغیان و سرکشی را از وجودشان برمی‌چیند و از سویی دیگر رفتار حکومت اسلامی را حمل بر ضعف و ناتوانی که ممکن است آن هم سرچشمه طغیان گردد نخواهند کرد. این بهترین طریق رفتار با این اقلیت‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۲۳۲)

– انصاف و عدالت پیشگی

حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: "خدا و مردم را از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیت که به او علاقه داری انصاف ده، که اگر انصاف ندهی ستم کرده‌ای و هر که به بندگان خدا ستم کند خداوند به جای بندگان ستم‌دیده خصم او می‌باشد و

هر که خداوند خصم او باشد عذرش را باطل کند و شخص ستمکار محارب با خداست تا وقتی که از ستم دست بردارد و توبه کند." در حکمت ۴۶۷ می‌فرمایند: "به عدالت عمل کن و از ستم و بیداد حذر نما، که ستم مردم را آواره سازد و بیداد شمشیر را پیش آورد". منظور از انصاف در برابر خداوند اطاعت از اوامر و نواهی اوست و انصاف در برابر مردم ترک هر گونه تبعیض و تمایل به افراد مورد نظر است؛ همان چیزی که غالب زمامداران در گذشته و حال گرفتار آن بوده و هستند که وقتی در قدرت هستند برای دوستان و بستگان و افراد مورد علاقه خود امتیازاتی قائل می‌شوند که هرگز آن را به دیگران نمی‌دهند. باید توجه داشت که «انصاف» از ریشه «نصف» گرفته شده که به نیمه هر چیزی اطلاق می‌شود و از آن جایی که عدالت سبب می‌شود انسان حقوق اجتماعی را در میان خود و دیگران عادلانه تقسیم کند؛ از این جهت به آن انصاف گفته‌اند. در بیان دیگر انصاف آن است که انسان هر چه برای خود و دوستان و نزدیکان خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد و آنچه درباره خود و افراد مورد علاقه‌اش روا نمی‌دارد درباره دیگران نیز روا ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۳۹۴)

- برخورد مناسب با دشمن به هنگام غلبه و پیروزی

حضرت علی (ع) چنان احترامی نسبت به دشمنان خود نشان می‌دادند که در تاریخ بی‌سابقه است. چه تساهلی بالاتر از این که در حق دشمنان خود و اسلام که با او می‌جنگیدند دعا می‌نمود و از خداوند متعال هدایت آنان را طلب می‌کرد و هرگز آنان را از درگاه خود نمی‌رانند و حتی پیشنهاد صلح آنها را هم می‌پذیرفت. حضرت (ع) هنگامی که شنید جمعی از یارانش در جنگ صفین به شامیان دشنام می‌دهند، فرمودند: "دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید ولی اگر به توصیف اعمال و بیان حالشان پردازید، سختان به صواب نزدیکتر و عذرتان پذیرفته‌تر است. به جای آنکه دشنامشان دهید، بگویید: بار خدایا خونهای ما و آنها را از ریختن نگه دار و میان ما و ایشان آشتی انداز و آنها را که در این گمراهی هستند راه بنمای تا هر که حق را نمی‌شناسد، بشناسد و هر که آزمند گمراهی و دشمنی است از آن باز ایستد" (خطبه ۲۰۶). همچنین حضرت (ع) در فرازی از نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرمایند: "از صلحی که دشمنت به آن دعوت می‌کند و خشنودی خدا در آن است روی مگردان، زیرا صلح موجب آسایش لشکریان و آسودگی خاطر تو و امنیت

شهرهای توست". حضرت (ع) در حکمت ۱۱ می‌فرماید: "چون بر دشمن ظفر یافتی، عفو و گذشت را شکرانه پیروزی قرار ده".

- وحدت و همیاری اجتماعی

حضرت علی (ع) مسلمانان را برادر یکدیگر می‌خواند و برای مقابله با فتنه‌ها، آنها را به پیوند با یکدیگر دعوت می‌نماید: "پس علائم فتنه و نشانه‌های بدعت نباشید و خود را ملتزم کنید به آنچه حفظ جماعت مسلمانان به آن قوام می‌یابد و ارکان طاعت با آن دوام دارد" (خطبه ۱۵۱). در خطبه ۱۲۷ می‌فرماید: "دست خدا را همراه با جماعت بدانید و از تفرقه اجتناب ورزید". همیشه توده‌های مؤمن، در مسیر حق حرکت می‌کنند و اگر گروهی دچار اشتباه شوند، گروه دیگر آنها را آگاه می‌سازند و از خطر گمراهی نجات می‌دهند ولی افراد تک رو و گروه‌های کوچک و منزوی از جامعه اسلامی، گرفتار انواع خطاها و انحرافات می‌گردند و شیطان همیشه وسوسه‌های خود را در میان آنها تشدید می‌کند و صید خوبی برای لشکر شیطانند همانگونه که وقتی گوسفندی از گله گوسفندان جدا و از زیر نظر چوپان خارج می‌شود، گرگ‌ها به او حمله می‌کنند و طعمه خود می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۳۳-۳۳۴)

- خیرخواهی برای دیگران و پرهیز از خودپسندی

خیرخواهی در فرهنگ اسلام از منزلتی والا برخوردار است، حضرت علی (ع) در این راستا در وصیت خود به امام حسن (ع) در نامه ۳۱ می‌فرماید: "بین خود و دیگری، خویشتن را ملاک قرار بده! پس هر چه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز پسند و هر چه تو را بد آید، برای دیگری هم چنین در نظرت آید و به کسی ظلم روا مدار، همان طوری که دوست نداری کسی به تو ظلم نماید و نیکی کن چنانکه نفس تو نیز نیکی را دوست می‌دارد. آنچه از دیگری زشت می‌شماری، بکوش که خود از آن دست برداری و از دیگری برای خود آن دوست بدار که خود می‌پسندی در حق آنان روا نمایی. آنچه نمی‌دانی مگو، اگر چه دانسته‌هایی چند داشته باشی و آنچه نمی‌پسندی به تو بگویند، مپسند که دیگران از تو بشنوند". اگر این اصل مهم اخلاقی در هر جامعه‌ای پیاده شود، صلح، صفا و امنیت بر آن سایه می‌افکند و نزاع‌ها و کشمکش‌ها به حداقل می‌رسند.

- نرمی و نیکویی در گفتار و رفتار و محبت و مودت با دیگران

یکی از نکات مورد توجه انسان مؤمن در معاشرت‌های اجتماعی، استفاده از کلام نیکو و زیبا در سخن گفتن با دیگران است، یعنی سخن خوش و پسندیده‌ای که موجب خشنودی شنونده گردد، آنگونه که انسان دوست دارد دیگران با او سخن بگویند. امام علی (ع) در نامه ۶۹ به حارث همدانی می‌فرماید: "موقع خشم بردبار باش و به وقت دست گرفتن قدرت از خطا چشم‌پوش و این کار عاقبت دارد". حضرت در خصوص برقراری روابط نیکو با مردم سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: "با مردم چنان ارتباط یابید که اگر مردید، بر شما اشک ریزند و اگر ماندید به شما مهر ورزند" (حکمت ۱۰) و در حکمت ۳۸ می‌فرماید: "گرامی‌ترین حسَب خلق نیک است".

- یتیم‌نوازی و کمک به مستمندان

حضرت علی (ع) در خصوص یتیم‌نوازی و اکرام آنان تأکید فراوان داشتند و در هیچ شرایطی آن را فراموش نمی‌کردند و می‌فرمایند: "خدا را خدا را، در خصوص یتیمان! دهانشان را به امید غذا مگذارید که باز ماند و پیش خود ضایعشان مسازید" (نامه ۴۷). همچنین در نامه ۵۳ می‌فرماید: "سپس خدا را خدا را (در نظر داشته باش) درباره‌ی طبقه‌ی پایین دست جامعه؛ کسانی که راه چاره‌ای ندارند؛ مساکین و نیازمندان و دردمندان و از کار افتادگان زمینگیر". حضرت علی (ع) زشت‌ترین نوع ظلم را، ظلم به افراد ضعیف جامعه می‌دانند و می‌فرماید: "ستم بر ناتوان نکوهیده‌ترین ستم است" (نامه ۳۱) و در حکمت ۲۶۴ می‌فرماید: "با بازماندگان دیگران خوبی کنید تا بازماندگان شما را داشته باشند".

- امانت‌داری

حضرت علی (ع) در اهمیت ادای امانت می‌فرماید: "به راستی آنکس که اهل ادای امانت نیست، ناامید و ناکام خواهد شد" (خطبه ۱۹۹). ادای امانت پایه فعالیت‌های مثبت اجتماعی است اگر خیانت در امانت راه یابد، اعتماد همگان متزلزل می‌شود و همکاری اجتماعی از میان می‌رود و محیطی مملو از سوءظن و فساد به وجود می‌آید. حضرت (ع) کسی را که در امانت خیانت کند رسوای دنیا و آخرت می‌داند و می‌فرماید: "کسی که کار امانت را جدی نینگارد و در آن خیانت

نماید و جان و دین خود را از خیانت پاک نسازد در این جهان در ذلت و و بی آبرویی را بر خویش باز بیند و در آخرت دلیل تر و بی آبروتر روی کند" (نامه ۲۶).

- صله رحم و ارتباط سازنده با دیگران

انسان‌ها چون زندگی اجتماعی را امری متناسب با طبیعت عقلانی خویشتن می‌دانند آن را برمی‌گزینند و این‌گزینش، به خاطر جبر یا از روی درماندگی نیست، بلکه از سر شعور و درک است. انسان در حیات اجتماعی که صحنه سود و زیان است، نیازمند یاری دیگران است و این نیاز او را به سوی دیگران می‌کشاند و هر انسانی به خاطر ناملایمات و سختی‌ها نیازمند دوستی و مودت با خویشاوندان است. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۳ می‌فرماید: "بدانید که هیچ یک از شما نباید از خویشاوندی که گرفتار فقر و بینوایی است روی یاری برتابد. باید که یاریش دهد، به مالی که اگر انفاقتش نکند، بر دارایش نیفزاید و اگر انفاقتش کند، سبب نقصان در مال او نگردد. هر کس که دست یاری از عشیره خود فرو بندد، یک دست از یاری آنان کاسته شده ولی او از یاری دستهای بسیاری خود را محروم داشته. هر کس که با اطرافیان خود با مدارا رفتار کند همواره دوستی و مودت آنان را نصیب خود ساخته است".

- عفو و گذشت

در عصر حاضر، با توجه به نحوه‌ی تعامل انسان‌ها با یکدیگر و درگیری‌هایی که در زندگی روزمره‌ی آنها رخ می‌دهد، یکی از مباحثی که بررسی آن می‌تواند از تنش‌های موجود در جامعه تا حد بسیاری بکاهد، موضوع عفو و بخشش به ویژه در زندگی اجتماعی است. در روابط اجتماعی گاهی برخوردهای تند یا ظلم و جفاهایی از سوی دیگران پیش می‌آید (عمدی یا سهوی)، برخورد کینه‌توزانه و انتقام‌جویانه بذر دشمنی و نزاع را می‌افشانند، اما گذشت و عفو نمودن، آب سردی بر روی شعله‌های دشمنی و کینه‌توزی است و مایه الفت و دوستی می‌گردد و دشمنی‌های دیرینه را از بین می‌برد.

حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: "و گناहانی از آنان به عمد یا اشتباه بروز می‌کند، پس همانگونه که علاقه‌داری خداوند بخشش و چشم‌پوشی را به تو عنایت نماید رعیت را مورد عفو و

چشم پوشی قرار بده" و همچنین ایشان توصیه می کنند: "از گذشتی که از مردم کرده ای پشیمان مشو" (نامه ۵۳). امام (ع) عفو و گذشت را زکات پیروزی می داند (حکمت ۲۱۱) و سزاوارترین مردم به عفو و گذشت را تواناترین ایشان به هنگام کیفر دادن معرفی می کنند (حکمت ۵۲). گسترش فرهنگ عفو موجب رواج اخلاق حسنه در اجتماع شده و از بروز کینه ورزی و حس انتقام جویی جلوگیری می کند و زمینه ساز بهبود روابط اجتماعی می گردد.

- حسن ظن به دیگران

انسان مؤمن نسبت به برادران دینی خود گمان نیکو دارد و صفحۀ اندیشه و نیت وی به چیزی جز نیکویی و زیبایی درباره دیگران مصور نیست. حضرت (ع) می فرماید: "اگر از دهان کسی چیزی برید، تا وقتی که می توانی آن را به نیکی توجیه کنی، نباید که بر آن گمان بد بری" (حکمت ۳۶۰). در حکمت ۳۰۹ می فرماید: "از گمانی که مرد مؤمن می برد، حساب برید؛ زیرا که خداوند حق را بر زبان ایشان قرار داده". سوء ظن و بدگمانی نسبت به دیگران نتیجه ای جز از بین رفتن الفت و همبستگی، سلب اعتماد نسبت به یکدیگر و در نهایت تفرقه و جدایی میان مؤمنان نخواهد داشت.

- پرهیز از عیب جویی دیگران

حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می فرماید: "و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن ترین آنان در نزد تو، کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است. زیرا در مردم عیبهایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیبهای مردم آنچه از نظرت پنهان است، مخواه که آشکار شود، زیرا آنچه بر عهده توست، پاکیزه ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است، داوری کند. تا توانی عیبهای دیگران را بپوشان، تا خداوند عیبهای تو را که خواهی از رعیت مستور بماند، بپوشاند". حضرت (ع) در خطبه ۱۷۶ می فرماید: "خوشا به حال آنکس که پرداختن به حال

خویش او را از توجه به عیوب مردم باز داشته" و درباره بزرگترین عیب می‌فرماید: "بزرگترین عیب آن است که آنچه را در خود توست برای دیگران عیب بشماری" (حکمت ۳۵۳).

سؤال ۴) آداب تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق زیست محیطی از منظر نهج البلاغه چه می‌باشند؟

اخلاق زیست محیطی شاخه نسبتاً جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسانها و دنیای پیرامون آنها سؤال می‌کند (کانینگهام ۱ و کانینگهام، ۲۰۰۳) و به رابطه انسان با محیط زیست، شناخت طبیعت از سوی انسان و احساس مسئولیت نسبت به آن و الزام انسان به کنار گذاشتن برخی از منابع طبیعی برای نسل‌های بعدی، آلودگی، نظارت بر جمعیت، کاربرد منابع، تولید و مصرف انرژی، حفاظت از حیات وحش و تنوع گونه‌ها اشاره دارد (کلر، ۲۰۱۰). به طور کلی اخلاق زیست محیطی درباره چگونگی رفتار انسان با محیط زیست و نوع رابطه انسان با آن، احساس مسئولیت نسبت به آن و حفاظت از منابع طبیعی می‌پردازد.

آداب مرتبط با تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق زیست محیطی در نهج البلاغه

مقصود از آداب مرتبط با اخلاق زیست محیطی، آدابی هستند که مربوط به احکام ارزشی حاکم بر مناسبات انسان با طبیعت (گیاهان، حیوانات، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها) می‌شود.

اسلام بر مسئولیت اخلاقی انسان در برابر سایر موجودات (گیاهان و حیوانات) تأکید بسیاری نموده است. بر اساس روایات اسلامی، انسان در محیط زیست حق هر گونه تصرفی ندارد و حتی حیوانات بر عهده صاحبان خویش حقوقی دارند (خواص و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۳). توجه و اهتمام به محیط زیست در منطق امام علی (ع) از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است، که در ابتدای خلافت ارزشمند و با برکت خود خطاب به مسلمانان می‌فرماید: "حق شهرها و بندگان خدا را بگذارید، که شما حتی مسئول سرزمین‌ها و چهارپایان هستید. اگر خیری به شما رسید برگیرید و اگر شری آمد روی برگردانید" (خطبه ۱۶۷). حضرت علی (ع) در خطبه ۹۱ می‌فرماید: "چون زمینش را بگسترده و فرمان خود روان ساخت، آدم (ع) را از میان آفریدگان خود برگزید و او نخستین آدمیان بود. در بهشت خود جایش داد و عیش او مهنا گردانید و به او آموخت که از چه کارهایی پرهیز کند و گفتش که اگر

1. Cunningham
2. Keller

چنان کارهایی از او سرزند مرتکب معصیت شده است و مقام و منزلتش به خطر افتاده. ولی آدم به کاری که خداوند از آن نهی کرده بود، مبادرت ورزید، زیرا علم خدا از پیش بدان تعلق گرفته بود. هنگامی که آدم توبه نمود خداوند او را به زمین فرستاد تا زمینش را به فرزندان خود آبادان سازد و از سوی خدا بر بندگانش حجّت و راهنمایی باشد.^{۱۶۷} تعبیر به عمران و آبادسازی به وسیله آدم و نسل او نشان می‌دهد که باید هدف همه انسان‌ها عمران و آبادی زمین باشد، تخریب آن به وسیله جنگ‌ها و اختلافات ویرانگر و یا تنبلی و سستی و بیکاری و یا حتی تخریب محیط زیست! و جالب اینکه این عمران و آبادی بعد از توبه صورت گرفته و تا انسان از خطاهای خود توبه نکند توفیق این عمران و آبادی دست نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۶۷). محیط زیست یکی از مسائل مهم در جوامع مختلف است. حیوانات، درختان، گیاهان، آب، خاک، هوا و... از مواردی هستند که اسلام برای آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. خداوند انسان را اشرف مخلوقات گردانید و تمام پدیده‌های طبیعی را برای برطرف کردن نیازهای او خلق کرد تا او در سایه استفاده از آنها زندگی بهتری را تجربه کرده و امکانات لازم را برای کسب کمال و رسیدن به مقصد نهایی در اختیار داشته باشد ولی برای چگونگی استفاده و منفعت از پدیده‌ها و امکانات حدود و شرایطی را قرار داده است.

د- الف - آداب مرتبط با حیوانات

- توجه به آسایش حیوان

از جمله حقوق حیوانات بر انسان، تأمین آب و آذوقه‌ی حیوانات است و از دیگر فضائل رفتاری دادن زمان استراحت به حیواناتی است که در مسیرهای طولانی از آنها سواری گرفته می‌شود، زیرا حیوانات قادر به تکلم و بیان نیازهای خود و دفاع از حق خویش نیستند، بنابراین شایسته است که انسان به این موارد دقت و توجه کافی داشته باشد. در نامه ۲۵ حضرت (ع) می‌فرمایند: "و باید شتر از نفس افتاده را رخصت دهد و آن را که کمتر آسیب دیده یا توان حرکت ندارد، به نرمی براند، چون بر آبگیرها گذر نماید، در آبشان سازد و مسیرشان را از سرزمین‌های پرگیاه به جاده‌ها تغییر ندهد و در اوقاتی آنها را به حال خود گذاشته و به وقت آب نوشیدن و چریدن، بگذارد تا به اذن خدا چاقی و فریبه‌ی یابند، نه که خسته و لاغر شده از مریضی‌ها پیش ما آیند". حضرت (ع) در نامه ۲۵ خطاب به مأموران جمع‌آوری مالیات توصیه‌هایی را درباره حیوانات

داشته و به تبیین چگونگی رفتار با آنان پرداخته و می‌فرماید: "تنها کسانی را مأمور این کار کن که خیرخواه، مهربان، امین و حافظ باشند، سختگیر و اجحاف گریز نباشند، حیوانات را خسته نکنند و به زحمت نیندازند".

- مراعات حال حیوان و پرهیز از ظلم به حیوان

عدالت‌ورزی در همه زمین‌ها و درباره همه جانداران حتی حیوانات، مورد تأکید و سفارش اسلام بوده است. حضرت علی (ع) درباره رعایت عدالت بین حیوانات جهت سواری گرفتن و همچنین مراعات حال حیوانات زخمی و خسته می‌فرماید: "اگر امین تو آن را ستاند و به رساندنش تعهد آورد، به او توصیه کن میان ماده شتران و بچه‌هایشان جدایی نیندازد و ماده را آنقدر ندوشد که شیرش به قدر کفاف بچه اش نماند و بچه آسیب یابد و در سوار شدن خسته اش نسازد و بین آن و دیگر شتران به داد رفتار نماید" (نامه ۲۵).

باور به برانگیختن دوباره و حسابرسی دقیق آن، موجب می‌گردد که انسان به هیچ موجودی حتی حیوانات ظلم نکند؛ چرا که کوچکترین اعمال در رفتار انسان مورد محاسبه قرار می‌گیرد. امام (ع) گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای را ظلم می‌داند و می‌فرماید: "به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه (روی زمین) را با آنچه در زیر آسمانهایش قرار دارد به من داده شود که خدا را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نا فرمانی کنم هرگز چنین نخواهم کرد" (خطبه ۲۲۴). امام (ع) حتی درباره سوار شدن بر شتران رعایت عدالت را توصیه می‌کند (نامه ۲۵).

د-ب- آداب مرتبط با گیاهان

- توجه به حفظ درختان و آبیاری مناسب

درختان و گیاهان به دلیل اینکه از موجودات زنده هستند به آب نیازمندند. امام علی (ع) به اهمیت نوع آب به جهت تأثیر مستقیم آن در کیفیت و کمیت رویش درختان و گیاهان اشاره فرموده، همچنین به تنظیم و مدیریت آبیاری نیز به عنوان رفتار و روش نیکو راهنمایی نموده است و می‌فرماید: "بدان هر عملی رویشی دارد و هیچ رویشی از آب بی‌نیاز نیست و آنها مختلفند آنچه

آبیاری اش پاکیزه باشد نهالش پاک و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش ناپاک باشد نهالش ناپاک و میوه اش تلخ است" (خطبه ۱۵۴)

درختان در آیین اسلام جایگاه ویژه و خاص خود را دارند؛ به گونه ای که اجازه ی وارد کردن هیچ گونه آسیبی به آنها را نمی دهد. بخش مهمی از کشاورزی مناطق اسلامی در زمان امام علی (ع) به درخت خرما مربوط بوده است. امام (ع) پس از بازگشت از جنگ صفین در وصیت اقتصادی نسبت به اموال شخصی خویش، چنین می نویسد: "و با کسی که این امر را به او سپرده شرط می کند که اصل مال را بگذارد و از ثمره ی آن انفاق نماید، همانگونه که او را امر کرده اند و به او راه را نمایانده اند. این نهالهای تازه نخل روستاها را نفروشد تا زیاد شود، طوری که شناخت آن برای کسی که اول بار دیده سخت شود" (نامه ۲۴). امام (ع) یکی از عوامل زیادی عمر را پرهیز از قطع درختان زنده و سبز مگر در موارد ضرورت می دانند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹/۳۳).

نتیجه گیری

آداب را می توان به سه دسته تقسیم نمود؛ از نظر منشاء، از نظر افراد بهره مند و از نظر مخاطب. در تقسیم بندی آداب از نظر منشاء می توان به دو منشاء ملی و مذهبی؛ در تقسیم بندی از نظر افراد بهره مند؛ به دو دسته فردی و اجتماعی و در تقسیم بندی از نظر مخاطب می توان به رعایت ادب در برابر خداوند متعال، امامان معصوم (ع)، قرآن و کتاب های دینی، نعمت های الهی، علما و بزرگان، خود و مردم و طبیعت؛ اشاره نمود (بافکار، ۱۳۸۹: ۳۰-۴۰). آنچه در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است بر اساس تقسیم بندی آداب از نظر مخاطب است که شامل؛ مجموعه ای از قواعد اخلاقی، ضوابط و اصول شرعی و عرفی است که فرد با رعایت آن، ضمن اینکه برای خود ارزش و شخصیت کسب می کند، موجب تسهیل و تسریع امور و کاهش مشکلات اجتماعی نیز می شود و زمینه را برای زندگی لذت بخش هم نوعان خود فراهم می آورد (همان: ۴۰). از آنجایی که ادب به معنای تربیت و مترادف با آن به کار می رود "چون در ثلاثی مزید چنین آمده است که؛ صیغه ادبه و تأدیب فراهم آید و به معنای ادب آموخت به کار می رود" (رشیدپور، ۱۳۷۶: ۱۷) و دارای معانی ای همچون علم آموزی، اخلاق آموزی و تربیت را در خود دارد و مصداقی از تربیت به معنای اعم است (امامی راد و محامی، ۱۳۹۳: ۳۶) و تربیت نیز در پی ایجاد

خصایل، آداب و اخلاق نیکو در شخص است (بافکار، ۱۳۸۹: ۲۹). بنابراین با شناسایی و معرفی آداب می‌توان فرهنگ مربوط به کاربردی شدن آنها را جهت انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر، آن هم با تکیه و تمسک به آموزه‌های دینی؛ نهادینه نمود. در این پژوهش آداب مربوط به ابعاد چهارگانه‌ی حوزه اخلاقیات که یکی از زیر مجموعه‌های اصلی تربیت فرهنگی می‌باشند؛ از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه در این راستا نتیجه‌گیری شد؛ بهره‌مندی کامل و جامع نهج البلاغه از تربیت فرهنگی و آداب مربوط به آن می‌باشد. زمانی که آداب تربیت فرهنگی مبتنی بر شریعت اسلامی و برگرفته از وحی الهی و فرامین اهل بیت (ع) و کلام مربی بزرگ بشری و متصل به سرچشمه الهی باشند، تأثیرگذاری فراوانی بر مخاطبان خواهند داشت؛ چرا که منطبق با فطرت انسانی هستند. حفظ ارزشهای دینی و تقید به انجام دستورات اخلاقی و آداب ذکر شده در نهج البلاغه در ایجاد و نهادینه شدن اخلاق و در نهایت ترویج تربیت فرهنگی اثرگذار است. یافته‌های حاصل در تبیین اهداف پژوهش بیانگر این می‌باشد که آداب مرتبط با تربیت فرهنگی در حوزه اخلاق بندگی در ۶ مؤلفه، آداب مرتبط در حوزه اخلاق فردی در ۵ مؤلفه، آداب مرتبط در حوزه اخلاق اجتماعی در ۱۲ مؤلفه و آداب مرتبط در حوزه اخلاق زیست محیطی در ۳ مؤلفه تبیین شده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود؛ آداب مرتبط با بعد اخلاق اجتماعی دارای بیشترین بسامد می‌باشند. اسلام دینی اجتماعی است و آداب فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارند، چرا که برای اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و تحقق آداب اخلاق اجتماعی از آن بهره می‌گیرند. هدف مربی بزرگ بشریت، تنها مجهز ساختن انسان به آداب اخلاق فردی نیست، بلکه ساختن جامعه‌ای اخلاق مدار مدنظر وی می‌باشد چرا که سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده است. از آنجایی که اخلاق اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی هست که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند و در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌گردند و به عنوان جزئی از شخصیت او در می‌آیند و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند. اخلاق اجتماعی از مهمترین موضوعاتی است که ارتباط افراد را با حوزه جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد. اگر در جامعه‌ای رفتارهای اخلاق اجتماعی به عنوان یک قرارداد و به صورت قانون پذیرفته شوند، افراد در نهایت صلح، امنیت و آرامش به حیات خود ادامه می‌دهند. رعایت آداب مهم اخلاقی می‌تواند جامعه را از بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر رفتاری و

گفتاری در سایه بی‌اخلاقی اجتماعی حفظ کند. اگر قرار است در جامعه‌ای فرهنگی پایه‌گذاری شود و شکل بگیرد، لازم است آداب اخلاقی در حوزه‌های گوناگون تبیین و ترویج شوند. اخلاق به عنوان وسیله‌ای در دست انسان برای دگرگون کردن انسان، جامعه و جهان، امری واقعی است. دستورات و احکام الهی و همچنین انجام فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی می‌باشد و فردی که این کارها را انجام دهد یک انسان سعادت یافته است. بدون شک با وجود چنین افرادی تربیت فرهنگی در جامعه حاصل می‌شود و تمامی افراد این جامعه اسلامی به سعادت و کمال خواهند رسید.

فهرست منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۸۵)، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، قم: فراگفت.
- ابتهاج، امیر. (۱۳۹۳/۳/۲۰)، تربیت فرهنگی و توسعه فرهنگی، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۴۱۳)، تصحیح علی اکبر غفاری، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ سوم، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- احمدپور، مهدی؛ اسلامی، محمدتقی؛ عالم‌زاده‌نوری، محمد؛ علیزاده، مهدی. (۱۳۸۵)، *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی: گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اسماعیلی، محبوبه؛ کاوسی، اسماعیل؛ قیومی، عباسعلی. (۱۴۰۰)، بررسی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران، *نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، سال پانزدهم، شماره سوم، صص ۹۵-۱۱۱.
- اسماعیلی، محبوبه؛ کاوسی، اسماعیل. (۱۳۹۹)، ارائه مدل تربیت فرهنگی بر اساس آموزه‌های دینی و نهج البلاغه، *نشریه مطالعات رفتاری در مدیریت*، سال یازدهم، شماره ۲۳، صص ۳۳-۵۱.
- امامی راد، احمد؛ محامی، مصطفی محامی. (۱۳۹۳)، بررسی مفهوم ادب و تأدیب و نسبت آنها با تربیت و واژه‌های مرتبط دیگر، *فصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۳۱-۵۶.
- بافکار، حسین. (۱۳۸۹)، *آداب اجتماعی اسلام (مبانی، روش‌ها و کارکردها)*، قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- بلاغت، رضا؛ هاشمی، احمد. (۱۳۹۲)، *فرهنگ و تعلیم و تربیت*، لامرد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.

پورعزت، علی اصغر؛ خواستار، حمزه؛ طاهری، غزاله؛ فراحی، محمد مهدی؛ نرگسیان، عباس. (۱۳۸۷)، الگوی مطلوب طراحی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، صص ۳-۲۲.

ترابی فارسانی، سهیلا و علی اکبر غندی، (۱۳۹۴)، آداب نامه ها و جایگاه آن در تاریخ نگاری اجتماعی (با تأکید بر عصر قاجار)، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و پنجم، شماره بیست و هفتم (پیاپی ۱۱۷)، صص ۶۵-۱۰۲.

حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۸۳)، مدیریت فرهنگی، قم: هاجر.

حسین زاده، اکرم؛ تقی زاده، محمد احسان. (۱۳۸۸)، اخلاق اسلامی، تهران: دانشگاه پیام نور. حمیدی، محسن. (۱۳۸۸)، چند گفتار پیرامون فرهنگ و تربیت اسلامی، ایرانشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایرانشهر.

خنکدار طارسی، معصومه؛ سلحشور، احمد. (۱۳۹۲)، عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، شماره بیست، صص ۱۱۵-۱۳۳.

خواص، امیر؛ حسینی قلعه بهمن، اکبر؛ دبیری، احمد؛ شریفی، احمد حسین؛ پاکپور، علی؛ اسلامی، محمد تقی. (۱۳۸۸)، فلسفه اخلاق یا تکیه بر مباحث تربیتی، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر معارف. دارایی، اسماعیل؛ اسماعیلی، زهره. (۱۳۸۸)، اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی (به عنوان مهمترین پیش نیاز مهندسی مجدد فرهنگی)، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره دو، صص ۱۶۳-۱۸۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، (تحقیق: صفوان عدنان داوودی)، بیروت: دارالقلم، دارالشامیه.

رشیدپور، مجید. (۱۳۷۶)، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روشها)، چاپ ششم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.

رضایت، غلامحسین؛ غلامعلی، احمد؛ رضایت، فاطمه. (۱۴۰۱)، ماهیت معنویت اسلامی با رویکرد تربیتی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال سی ام، شماره ۵۴، صص ۲۳۹-۲۷۸.

زارع، غلامعلی؛ دیلمی، زارع. (۱۳۹۸)، رابطه آداب و ادبیات با اخلاقیات، فصلنامه زبان و ادب فارسی (دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد سنندج)، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص ۱-۲۹.

شاملی، عباسعلی، ملکی، حسن و کاظمی، حمیدرضا. (۱۳۹۰)، برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی، نشریه اسلام و پژوهشهای تربیتی، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۶ صص ۷۷-۹۸.

علیزاده، مهدی، عالم زاده نوری، محمد، مظاهری سیف، محمدرضا، احمدپور، مهدی، مهدوی فرید، علی؛ فلاح، محمدرضا. (۱۳۹۴)، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر معارف.

فرهینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۰)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: شباهنگ.

کرماجانی، رضیه سادات. (۱۳۹۷/۶/۳۱). نهج البلاغه و ارزش های فرهنگی، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهشهای دینی، کرج.

کلاتری ارسنجانی، علی اکبر. (۱۳۸۲)، اخلاق و آداب دانشجویی، قم: دفتر نشر معارف.
کهنوجی، مرضیه. (۱۳۹۷/۹/۷)، تبیین اصول تربیت فرهنگی در تفکر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، اولین همایش نظام فکری آیت الله خامنه ای در گستره فرهنگ، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
محمدی راد، حمید؛ سازجینی، مرتضی؛ غفاری، رقیه. (۱۳۹۴)، تجلی اخلاق فردی در سوره قصص، دوفصلنامه تفسیر پژوهی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۷۲-۱۹۷.

محمدی گیلانی، محمد. (۱۳۷۴)، درسهای اخلاق اسلامی، چاپ اول، چاپ مؤسسه الهادی، قم: نشر سایه.
محمودی، جواد؛ خرم آبادی، یدالله. (۱۳۹۳)، تربیت فرهنگی با رویکرد اسلامی و علوی، اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن، جلد دوم، چاپ هشتم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، جلد سوم، قم: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰)، پیام امام، جلد های ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و ۱۰، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نجفی، حسن؛ وفایی، رضا؛ جعفری هرنندی، رضا. (۱۳۹۴)، بازیابی اصول تربیت فرهنگی از آموزه های اسلامی، نشریه معرفت، سال بیست و چهارم، شماره ۲۰۹، صص ۱۳-۲۸.

وائقی، قاسم. (۱۳۷۴)، درسهایی از اخلاق مدیریت، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
Cunningham W & Cunningham M (2003). **Environmental Science, a global concern**. 7th edition. New York: McGraw- Hill.
Keller D. R (2010). **Environmental ethics: the big questions**. Chichester: Wiley Press .
Kristijansson, K. (2015). **Aristotelian character Education**. London: Routledge.
Romanowski, M. H. (2002). Is school prayer the answer? **Journal of Educational Forum**. 66(2). Pp154-161.

